



گویش‌های ایرانی: پاسداران فرهنگ ایرانی

حسن رضائی باغبیدی

امروزه طنین دلنشین زبان‌ها و گویش‌های ایرانی را در جای‌جای ایران‌زمین می‌توان شنید. قرن‌هاست که مادران پاک‌نهاد این مرز و بوم واژه‌ها، حکایت‌ها، ضرب‌المثل‌ها و ترانه‌های اصیل ایرانی را در قالب گویش‌هایی چون آرانی، آشتیانی، آملی، ابوزیدآبادی، ابیان‌ای، اردستانی، افتری، انارکی، الویری، بادرودی، بختیاری، بشاگردی، بلوچی، بهدینی، بیابانکی، بیدگلی، پاپونی، تاتی، تازی، تالشی، تفرشی، جوشقانی، خوانساری، خوری، دشتستانی، دوانی، زفره‌ای، سیده‌ای، سُرخه‌ای، سمنانی، سنگسری، سویی، سیوندی، فُروی، فَریزندی، فُهرودی، کردی، کِشه‌ای، کُفرانی، کَکَکی، گَزی، گورانی، گیلکی، لارستانی، لاسگردی، لری، لکی، مازندرانی، محلاتی، مهرجانی، میمه‌ای، نائینی، نطنزی، واِشانی، وَرزنه‌ای، وُفسی، ویدری و یَرندی، یا در قالب لهجه‌های شیرینی چون اصفهانی، بیرجندی، تهرانی، قائنی، کرمانی، مشهدی، نیشابوری، همدانی و یزدی در گوش فرزندان دلبند خود زمزمه می‌کنند. هنوز نوای دلربای زبان‌ها و گویش‌های ایرانی را در خارج از مرزهای ایران، از ترکستان چین در شرق (سَریگلی) تا اقاصا نقاط آسیای صغیر در غرب (کردی)، و از ماورای قفقاز در شمال (آسی) تا حاشیه جنوبی خلیج فارس (کُمزاری) می‌توان شنید. زبان‌های اُرموری، پَراچی، پَشتو، مونجانی، پِدغه، یَغناپی و گویش‌های ایرانی پامیر، چون اِشکاشمی، بَرَتَنگی، رُشروی، روشانی، زیباکی، سَریگلی، سَنگلیچی، شُغنی، وُخی و یَزغُلومی، قرن‌ها پاسداران فرهنگ کهن ایرانی در آسیای مرکزی، فلات پامیر و بخش‌هایی از

شبه‌قاره هند بوده‌اند. اما دریغ و صد افسوس که هرازگاه تندباد حوادث شماری از این زبان‌ها و گویش‌ها را برمی‌چیند و به دیار خاموشی و فراموشی می‌برد، چنان‌که پیش از این، در دیارمان، گرگانی و، در فلات پامیر، وَنجی را به خوابی ابدی فروبرده است. اکنون وظیفه ماست که این گرانبهاترین میراث نیاکانمان را پاس بداریم، یا دست‌کم با ثبت و بررسی آنها نامشان را جاودانه سازیم. امید است که مجله گوش‌شناسی بتواند به مدد زبان‌شناسان و گویش‌پژوهان گام‌های بلندی در این راه بردارد. پاسداری از گویش‌های ایرانی پاسداری از فرهنگ درخشان ایرانی و پاسداری از چشمه‌های زلالی است که می‌توانند درخت تنومند و پربرار زبان فارسی را سیراب سازند.

